



زندگینامه مهندس مصطفی کاظمی نخستین مدیر کل دفتر جنگل کاری و پارک های جنگلی

مهدی زهدی*

* پژوهشگر منابع طبیعی، سازمان جنگل ها، مراتع و آبخیزداری کشور
پست الکترونیک: mezhohdi@yahoo.com



دانشمندان ایرانی

«تلاش، جادویی است که موفقیت را می سازد»

دیگو سیمئونه

اقدامات بزرگ و ماندگار معمولاً حاصل حضور افراد سخت کوش و مصمم، در زمان و مکان مناسب بوده است. گاهی اثرات این اقدامات تا سال ها باقی می ماند و نسل های بعد از آن بهره می برند. ایجاد کمربند سبز در اطراف کلان شهر تهران و بسیاری از شهرهای بزرگ کشور، اقدام ارزنده و بسیار مهمی بود که اگر به وسعت، تکنیک و ویژگی های فنی و ماندگار بخش هایی از آن دقت شود، بزرگی آن به خوبی نمایان خواهد شد. جنگل کاری های اطراف تهران از اواسط دهه ۴۰ توسط سازمان جنگلبانی، با هدف ایجاد کمربند سبز، جلوگیری از گسترش بی رویه محدوده های شهری و تلطیف هوا آغاز شد. این دوره با حضور یکی از مؤثرترین کارشناسان تاریخ جنگلبانی ایران، در اداره جنگل کاری سازمان جنگلبانی به نام مهندس مصطفی کاظمی هم زمان بود. ایشان در ابتدا به عنوان معاون اداره جنگل کاری و دو سال بعد به سبب لیاقتی که از خود نشان داد، با سمت رئیس اداره جنگل کاری در این واحد عملیاتی، در سازمان جنگلبانی، پله های ترقی را یک به یک پیمود. خوشبختانه ایشان در سن ۹۵ سالگی در سلامت کامل بوده و با رویی گشاده و تبسمی دائمی بر چهره، پذیرای ما بودند تا بخش های مهمی از زندگینامه شان را از زبان خودشان بشنویم. مطالبی که در پی آمده حاصل ملاقات و مصاحبه با آقای مهندس کاظمی در پاییز ۱۳۹۷ است. ایشان با بیان شیرین به ذکر خاطرات و جزئیاتی از حافظه شفقت انگیزشان، پرداختند، مطالب زیر از لابه لای خاطرات ایشان استخراج شده است.

مهندس کاظمی در استان اصفهان، در شهرستان اردستان در خانواده ای کشاورز و زمین دار چشم به جهان گشود. بنابه گفته خودش، پدر از خرده مالکان خطه اصفهان بود، از این رو ارتباطاتی



با برخی از بزرگان سیاسی و اجتماعی اصفهان داشت. در رابطه با تاریخ دقیق تولد خود، بیان کرد که براساس اطلاعات شناسنامه‌ای، متولد اول آذر ۱۳۰۴ هجری شمسی است ولی با توجه به مغایرت تاریخ صدور شناسنامه با تاریخ واقعی تولد که در آن زمان معمول بود، خانواده (به رسم روزگار قدیم) در صفحه انتهای قرآن تاریخ تولد او را پانزدهم دی ماه ۱۳۰۳ درج کرده بودند که به اعتقاد ایشان، همین تاریخ درست است. مهندس کاظمی، تحصیلات ابتدایی را در اصفهان گذراند، در سال ششم ابتدایی به اردستان بازگشت و تصدیق پایان دوره ابتدایی را در این شهر دریافت کرد. سپس به همراه خانواده به اصفهان آمده و دوره دبیرستان را در دبیرستان سعدی اصفهان ادامه داد. در سال ۱۳۲۱ به همراه برادر بزرگ‌تر به تهران آمد و سال آخر دبیرستان را به توصیه یکی از دوستان برادر، در مدرسه عالی کشاورزی کرج گذراند و موفق به اخذ دیپلم کشاورزی شد. در کنکور ورودی دانشکده کشاورزی شرکت کرده و در سال ۱۳۲۲ در دانشکده کشاورزی کرج و در رشته مهندسی کشاورزی پذیرفته شد و لیسانس کشاورزی عمومی خود را در سال ۱۳۲۵ دریافت کرد. مهندس کاظمی بیان کردند: «در آن سال‌ها یک درس در ارتباط با جنگل و جنگل‌شناسی توسط مرحوم مهندس ساعی در دانشکده کشاورزی کرج تدریس می‌شد، من و آقای دکتر یوسف قریب، این درس را با مهندس ساعی گذراندیم. در سال ۱۳۲۵ که فارغ‌التحصیل شدیم، فردی به نام هژیر وزیر دارایی بود و برای استخدام در وزارت کشاورزی باید ایشان با تخصیص اعتبار لازم و صدور مجوز موافقت می‌کرد. با توجه به سماجت و پیگیری دانشجویان آن دوره، توانستیم مجوز استخدام را از وزارت دارایی بگیریم و به همین دلیل، در همان سال (۱۳۲۵) به استخدام وزارت کشاورزی درآمدیم. در بدو استخدام به اداره کشاورزی رامسر اعزام شدم. در واقع از ابتدای استخدام، کار خود را با جنگل‌کاری شروع کردم. شهر رامسر دو بلوار داشت که اراضی جنگلی اطراف این بلوارها در زمان رضا شاه، جنگل‌تراشی شده بود و در این اراضی ما شروع به جنگل‌کاری کردیم و بیشتر گردو می‌کاشتیم». ایشان در تاریخ ۲۶ آبان سال ۱۳۲۵ به‌عنوان رئیس جنگل‌کاری در دایره جنگل‌ها و نهالستان اداره کشاورزی شهسوار و نوشهر شروع به کار کرد. پس از یک سال، به تنکابن رفت و به ریاست اداره کشاورزی منصوب شد. در مورد آن دوران می‌گوید: «این اداره یک رئیس و یک کارمند داشت. در آن زمان، اداره کشاورزی، از کشاورزان چای خریداری می‌کرد. برای آزمایش، در کنری و قوری که در اداره بود چای را دم می‌کردیم و با چشیدن مزه و کنترل رنگ آن میزان کیفیت چای را تعیین می‌کردیم و این باعث شد که اطلاعاتی هم در مورد چای کسب کنم». پس از دو سال که ایشان در تنکابن خدمت کرد به چالوس منتقل و در تاریخ ۲۴ آذر سال ۱۳۲۷ به سمت رئیس شعبه جنگلبانی چالوس منصوب شد. در ادامه مهندس بیان کردند: «در سال ۱۳۲۸ به دلیل اصرار پدرم و سفارش نماینده وقت اصفهان، با تلگرافی از سوی مقام عالی وزارت، به اصفهان منتقل شدم (این انتقال در تاریخ ۱۴ تیر ماه ۱۳۲۸ اتفاق افتاد). در اصفهان به‌عنوان کارشناس اداره کشاورزی یک سال خدمت کردم و در این دوران به

مدت سه ماه از جنگل‌های منطقه چهارم‌حال و بختیاری (که در آن زمان جزو استان اصفهان بود) بازدیدهای فراوانی داشتم و شناختی نسبت به این جنگل‌ها پیدا کردم. در آن زمان چوب بلوط این جنگل‌ها تبدیل به ذغال شده و در اصفهان به فراوانی فروخته می‌شد. در یک سالی که در اصفهان بودم به شدت بیمار شدم و هم‌زمان به دلیل آن‌که آقای مهندس ساعی در دانشکده کشاورزی کرج دوره فوق‌لیسانس جنگل را دایر کرده بود، در سال ۱۳۲۹ برای ادامه تحصیل در مقطع فوق‌لیسانس به تهران آمدم و تا سال ۱۳۳۰ به تحصیل در رشته جنگل زیر نظر مهندس ساعی در دانشکده کشاورزی کرج پرداختم. سال ۱۳۲۹ به تهران منتقل شدم، تا سال ۱۳۳۰ فقط درس می‌خواندم، (درواقع در تاریخ هفتم مرداد سال ۱۳۲۹ از اصفهان به بنگاه جنگل‌ها منتقل شد). پس از اتمام تحصیل در دوره فوق‌لیسانس در سال ۱۳۳۰ در بنگاه جنگل‌ها مشغول به کار شدم». مهندس کاظمی در تاریخ ۲۴ خرداد سال ۱۳۳۱ در بنگاه جنگل‌ها به سمت کارشناس اداره بررسی‌های مراتع منصوب شد و مدت یک سال در این اداره خدمت کرد. در خصوص وقایع آن زمان در بنگاه جنگل‌ها، مهندس کاظمی بیان کردند: «پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مسئولیت بنگاه با تغییراتی مواجه شد. در سال ۱۳۳۴ فردی به نام تیمسار اخوی رئیس بنگاه جنگل‌ها شد که از نظامیان مؤثر در ماجرای کودتا بود». در رابطه با وقایع این سال‌ها جوانشیر (۱۳۷۸)، بیان کردند: «در سال ۱۳۳۲ مهندس مولوی و در سال ۱۳۳۳ مجید گنجوی مدیرعامل بنگاه جنگل‌ها شد. در سال ۱۳۳۴ مدیریت بنگاه جنگل‌ها که اصولاً باید در دست افراد فنی و کاردان در امور جنگل و مرتع باشد، به دست افراد ناآشنا به امور جنگل سپرده شد. در ۲۸ دی ماه ۱۳۳۴ سرتیپ حسن اخوی از طرف وزارت کشاورزی به سمت رئیس هیئت‌مدیره و مدیرعامل بنگاه و هم‌زمان مهندس ولی مشکوتی به سمت مدیرعامل بنگاه جنگل‌ها منصوب شدند. در جلسه معارفه، حسن اخوی نکاتی بیان کرد که در عمل غیرقابل اجرا و دور از واقعیت‌ها و مسائل منابع طبیعی کشور بود. به نظر می‌رسد، بعد از مهندس کریم ساعی، سازمان جنگل‌ها مدیر کاردان و لایق دیگری به خود ندید و مدیریت‌ها همه جنبه سیاسی پیدا کرد و اصولاً به هیچ‌یک از آنان که با نظر دولت انتخاب می‌شدند، اجازه کار اساسی و بنیادی داده نمی‌شد. باید اذعان کرد که تغییرات پست ریاست و مدیرعامل بنگاه جنگل‌ها در کشورمان بسیار مرموز و شگفت‌انگیز بود و هر فردی که به ریاست این بنگاه گمارده می‌شد، ناگزیر بعد از مدت کوتاهی و قبل از انجام هر کار مثبتی، بدون این‌که بتواند دست به کار اساسی زند، کنار می‌رفت. در سال ۱۳۳۶ سرتیپ اخوی وزیر کشاورزی شد و سرتیپ هوشنگ امجدی را به سمت ریاست هیئت‌مدیره و مدیرعامل بنگاه منصوب کرد. جای شگفتی است که سرنوشت کشاورزی و منابع طبیعی کشور که باید به دست اهل فن باشد، این چنین به بازی گرفته می‌شد. بدون شک سیاست تبدیل جنگل‌ها به زمین‌های زراعی، عامل عمده در این انتصابات بود. در ۲۹ مهرماه سال ۱۳۳۷ سرلشکر اخوی وزیر کشاورزی در بنگاه جنگل‌ها حضور یافته و اظهار داشت که چون سرتیپ امجدی از مدیریت‌عامل بنگاه استعفا داده‌اند، به این جهت سرتیپ علی خواجه‌نوری به مدیریت‌عامل بنگاه جنگل‌ها تعیین می‌شود. این عزل و نصب‌های پی‌درپی، غیرموجه و بی‌دلیل به‌خوبی

در اراضی خرگوش‌دره، اطراف فرودگاه مهرآباد و تپه‌های چیتگر آغاز شد. از نظر مهندس کاظمی، پروژه جنگل تپه‌های چیتگر یک اقدام پرچالش، پیچیده و سخت با تعداد زیادی کارگر بود. شرایط طبیعی کمی سخت و وسعت کار چشمگیر بود. ایشان بیان کردند: «در سال ۱۳۴۵ سرهنگ معصومی رئیس سازمان جنگلبانی و آقای ریاحی وزیر کشاورزی بودند. در آن سال کرم ساقه‌خوار برنج در شمال طغیان کرد و بنابر دستوری که محمدرضا پهلوی برای مجازات مسببین این موضوع صادر کرد، روابط شاه با وزیر کشاورزی (ریاحی) تیره شد و ریاحی در صدد ترمیم این روابط بود. ریاحی بیشتر تعطیلات آخر هفته را در ویلای خود در کرج می‌گذراند، در میان راه، وقتی از کنار تپه‌های



چیتگر عبور می‌کرد، کارگران بسیاری را در حال فعالیت می‌دید و برای سرکشی، از پروژه مذکور بازدید می‌کرد. در این بازدید، حجم کار و میزان فعالیتی که برای اتمام آن صورت می‌گرفت، مورد توجه او قرار گرفت و برای آن‌که بتواند این کار را به‌عنوان یک پروژه مهم نزد محمدرضا پهلوی ارائه کند، هر هفته شخصاً در محل حاضر می‌شد و پیشرفت کار را پیگیری می‌کرد. در آن سال و با اتمام پروژه‌های آماده‌سازی بستر کاشت که به‌صورت حفر بانکت و احداث جوی‌های انتقال آب بود، عملیات نهال‌کاری را از ۱۵ اسفند آغاز کردیم که با توجه به وسعت پروژه، نهال‌کاری تا اواخر اردیبهشت طول کشید. برای آن‌که درختان از خواب بیدار نشده و در زمان کاشت با مشکل مواجه نشویم، قطعه زمینی را در کندوان جاده کرج-چالوس تعبیه کرده و نهال‌ها را به آنجا منتقل و ریشه‌های آنها را در زیر خاک مدفون کردیم تا در اثر سرمای آن منطقه، درختان تا زمان کاشت در خواب بمانند. پروژه در خرداد ۱۳۴۶ آماده بهره‌برداری شد و محمدرضا پهلوی به همراه یک هیئت بلندپایه، پروژه پارک جنگلی چیتگر را افتتاح کرد و در همان‌جا دستور داد تا این پروژه به سمت دامنه‌های شمالی تپه‌های چیتگر و اراضی اطراف توسعه پیدا کند». در روز افتتاحیه بنابر توصیه وزیر، آقای مهندس کاظمی شخصاً توضیحات فنی مربوط به اقدامات انجام شده و جنگل‌کاری را ارائه داد که همین تلاش منجر به دریافت یک نشان ویژه دولتی و تشویق ایشان شد. به گفته مهندس کاظمی، کار جنگل‌کاری به قدری سروصدا به پا کرد که وزیر در سمیناری با رؤسای ادارات کشاورزی استان‌ها، به ایشان توصیه کرده بود بروید

وئید این مدعاست که هیچ‌گونه ضابطه‌ای در تعیین مدیریت‌ها وجود داشته و سرنوشت منابع حیاتی کشور بازیچه دست منتقدان و صاحبان روزور بوده است». این نظر استاد فقید دکتر کریم جوانشیر حکایتی س قابل تأمل است! در بازگویی وقایع آن روزگار مهندس کاظمی بان کردند: «تیمسار اخوی در مقطعی مانع قطع درختان در شمال شد . با توجه به مشکلاتی که در تأمین چوب پدید آمد، دستور داد تا چوب‌های بازداشتی را از شمال به تهران بیاورند و به فروش برسانند. ر این زمان من به همراه تعدادی دیگر از کارشناسان به شمال رفتم و س از ارزیابی‌های اولیه چوب‌های بازداشتی را با کامیون‌های ارتشی ه تهران منتقل کردیم. در سال ۱۳۳۵ از سوی تیمسار اخوی به سمت جنگل‌دار لاهیجان منصوب شدم، ولی به‌علت سرماخوردگی شدیدی ه در یکی از جنگل‌گردشی‌ها دچار شدم و با توجه به‌شدت بیماری، ر سال ۱۳۳۶ به تهران بازگشتم». براساس اطلاعات مندرج در پرونده رسنلی، آقای مهندس کاظمی در تاریخ پنجم شهریور سال ۱۳۳۶ ه سمت کفیل سرجنگل‌داری لاهیجان منصوب شد. در تاریخ ۲۵ هر سال ۱۳۳۶ ایشان به اصفهان منتقل شده و به سمت سرپرست مور جنگلبانی در اداره تازه تأسیس اصفهان مشغول شدند. ایشان فزودند: «اداره جنگلبانی اصفهان را من راه انداختم و برای مناطق مهم حساس، تعدادی قرقبان و مأمور حفاظتی استخدام و در آن نقاط ستقر کردیم». تاریخ ۱۲ دی ماه سال ۱۳۳۸ به سرجنگلبانی گرگان منصوب و با حکم رئیس وقت سازمان جنگلبانی به گرگان منتقل مد. بیماری ریوی و آسم و عدم مساعد بودن آب‌وهوای گرگان برای بن بیماری، علت درخواست انتقال مهندس کاظمی به تهران بود. در اریخ ۲۵ خرداد سال ۱۳۳۹ به عنوان بازرس فنی در هیئت بازرسان سازمان در ستاد (تهران) مشغول شد. مهندس کاظمی در تاریخ ۲۶ رداد سال ۱۳۴۰ به سمت سرجنگل‌دار شهسوار و نوشهر منصوب ده و با این پست به مدت یک سال و چندماه در چالوس خدمت رد. به‌دلیل بروز اختلاف اداری با وزیر وقت (ارسنجان) و به‌منظور رخورد با ایشان، با دستوری تلگرافی، ایشان را با ابلاغ مورخ ۱۴ بان سال ۱۳۴۱ به‌عنوان سرجنگل‌دار، به تبریز اعزام کردند. از آبان مال ۱۳۴۱ تا نوروز ۱۳۴۳ ایشان در تبریز خدمت کرد و در ابتدای مال ۱۳۴۳، با دستور دکتر قریب که در آن زمان معاون بهره‌برداری سازمان جنگلبانی بود، به سمت معاون اداره جنگل‌کاری در ستاد سازمان مشغول شد. بنابر اظهارات آقای مهندس کاظمی، در سال ۱۳۴۲ عملیات جنگل‌کاری در اطراف تهران و در اراضی واقع در میان نوبان تهران-کرج تا جاده قدیم کرج با گونه‌های کاج تهران، افاقیا، فرا و زبان گنجشک آغاز شد که مساحت آن حدود ۲۰۰ هکتار بود. لمچنین، آب لازم برای جنگل‌کاری و آبیاری درختان، از رودخانه کن ه سمت جنوب اتوبان با سیستم شترگلو و نصب لوله انتقال و کسب جوز از وزارت راه منتقل شد. مهندس کاظمی بیان کردند: «برای کسب ظر وزیر راه، شخصاً با ایشان ملاقات کردم و پس از توضیح درباره چهارچوب پیشنهاد فنی و نحوه انتقال آب، ایشان از طرح استقبال کرد ه این موضوع رضایت داد».

در سال ۱۳۴۵ مهندس کاظمی با ابلاغ مورخ ۲۷ فروردین سال ۱۳۴۶ رئیس اداره جنگل‌کاری شده و در همین سال نیز جنگل‌کاری



و پروژه چیتگر را بازدید کنید و ببینید یک مهندس با تعدادی کارگر چه کار بزرگی را انجام داده‌اند. افتتاح چیتگر با صدور حکم مدیرکلی مهندس کاظمی، طی ابلاغ مورخ ۲۷ فروردین سال ۱۳۴۶ به‌عنوان نخستین مدیرکل این دفتر منصوب شدند. ایشان بیان کردند که در سال بعد شیب‌های شمالی تپه‌های چیتگر نیز جنگل‌کاری شد تا جایی که مساحت کل جنگل‌کاری به سطحی حدود ۹۰۰ تا ۱۰۰۰ هکتار رسید. همچنین ادامه دادند: «در رابطه با موضوع جنگل‌کاری اطراف تهران، مستقیماً با وزیر کشاورزی ارتباط داشتم و سرهنگ معصومی به‌عنوان رئیس سازمان نقش‌چندانی در این موضوعات نداشت». در سال ۱۳۴۶ وزارت منابع طبیعی تشکیل شد و دفتر فنی جنگل‌کاری و پارک‌ها نیز یکی از دفاتر مهم در این وزارت‌خانه باقی ماند. در همین سال، وزیر منابع طبیعی نیز، حکم مدیرکلی مهندس کاظمی را تجدید کرد. مهندس کاظمی به مدت ۱۰ سال و تا شش ماه قبل از زمان بازنشستگی، مدیرکل دفتر جنگل‌کاری و پارک‌ها باقی ماند و البته در شش ماه آخر خدمت به عضویت شورای عالی جنگل، مرتع و خاک (با ابلاغ مورخ ۱۰ اردیبهشت سال ۱۳۵۶) منصوب شد. به گفته مهندس کاظمی پس از پارک چیتگر، اقدامات اجرایی برای احداث پارک‌های جنگلی لویزان، سرخه‌حصار و گردنه قوچک آغاز شد. ایشان افزود پس از چیتگر، اولین جنگل‌کاری در تپه‌های لویزان انجام شد. برای تأمین آب این پارک جنگلی، با چند پمپ قوی آب را به بلندترین نقطه تپه منتقل و از آنجا با روش ثقلی نهال‌های جوان و درختان را آبیاری کردیم. آقای کاظمی ماجرای بازنشسته شدن

در نوشهر خیلی کمتر از ۱۰۰۰ هکتار است تا دفتر جنگل‌کاری و پارک‌ها را زیر سؤال برده و محکوم کند. در آنجا نقشه تهیه شده، بسیار کمک کرد و پس از ایشان من گزارشی را بیان و مدارک و مستندات را ارائه و اثبات کردم که این‌طور نیست. وزیر از این موضوع بسیار ناراحت شد و بدون خداحافظی جلسه را ترک کرد پس از آن جلسه دستور داد تا مرا بازنشسته کنند. از قضا چون من با آقای وکیل‌زاده از کودکی دوست و هم‌کلاس بودم و اقداماتم نیز نزد ایشان مشخص بود، نخواستند به‌گونه‌ای عمل کنند که برای من بد شود، لذا از تاریخ دهم اردیبهشت سال ۱۳۵۶ تا اول مهر همان سال که بازنشسته شدم، مرا به عضویت شورای عالی جنگل درآورد چرا که در آن زمان اعضای شورای عالی بالاترین سطح حقوق و جایگاه اداری را داشتند. بنابراین، در ۴-۵ ماه آخر دوران خدمتم عضو شورای عالی هم شدم. در آن زمان آقای مهندس بنان رئیس شورای عالی بودند». مهندس کاظمی در اول مهر ماه سال ۱۳۵۶ بازنشسته شد و پس از بازنشستگی به اتفاق تعدادی



از همکاران بازنشسته، شرکتی را تأسیس و چند پروژه جنگل‌کاری را از مرحله طراحی تا اجرا، در قالب این شرکت، مدیریت و اجرا کردند که با انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ و خروج کارفرمایان این پروژه‌ها از کشور، کارهای مذکور متوقف شد. پس از انقلاب نیز، یکی دو طرح را از جمله طرح جنگل‌کاری در اطراف تصفیه‌خانه آب شرق تهران، تهیه کرد. مهندس کاظمی در سال ۱۳۲۷ ازدواج کرد که حاصل این وصلت سه فرزند، دو پسر و یک دختر است که همگی تحصیلات عالی دارند. ایشان هم‌اکنون در منزل شخصی خود در منطقه جمال‌زاده شمالی (شمال میدان انقلاب) ساکن هستند.

برای ایشان آرزوی سلامتی داریم و امیدواریم زندگی‌نامه‌شان که بازتاب بخشی از تلاش و پشتکار این مرد بزرگ است، سرمشقی برای همه ما در روزگار اخیر باشد.

منابع

جوانشیر، ک.، ۱۳۷۸، تاریخ علوم منابع طبیعی ایران. سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی؛ فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران گروه علوم کشاورزی، تهران، ۴۹۰ صفحه.

خود را این‌چنین بیان کردند: «در دهه ۱۳۴۰ و سال‌های بعد از آن تمام جنگل‌کاری‌های انجام شده در سطح کشور زیر نظر دفتر جنگل‌کاری و پارک‌ها و تهیه طرح‌های مربوطه و تحت نظارت این دفتر انجام می‌شد. در سال ۱۳۵۶ روحانی، وزیر کشاورزی و منابع طبیعی و آقای وکیل‌زاده، رئیس سازمان جنگل‌ها و مراتع بود. در این سال وزیر تصمیم گرفت تا جنگل‌کاری‌ها را به مناقصه بگذارد و کار را به شرکت‌های بین‌المللی بدهد، به‌همین منظور سعی داشت تا اقدامات ما را کوچک و ناقص جلوه دهد. بنابراین از اداره مهندسی جنگل تقاضا کردم تا جنگل‌کاری‌های انجام شده در سال ۱۳۵۵ نوشهر را نقشه‌برداری و مساحی کند، حتی در نامه تأکید کردم که تنها نهال‌کاری‌های انجام شده در سال جاری را نقشه‌برداری کنند. این نقشه با همکاری کارشناسان محترم این اداره تهیه شد و مساحت آن ۱۰۱۱ هکتار درآمد، این در حالی بود که در آمارهای ما ۱۰۰۰ هکتار اعلام شده بود، یعنی ۱۱ هکتار هم بیشتر جنگل‌کاری کرده بودیم. در سازمان برنامه و بودجه جلسه‌ای برقرار شد که در آن جلسه، وزیر و رئیس سازمان جنگل‌ها و مراتع، مسئولین و کارشناسان سازمان برنامه و بودجه نیز حضور داشتند. وزیر کشاورزی سعی داشت اثبات کند که آمار جنگل‌کاری انجام شده